

رئیس رسانه ملی در نشست مشترک  
رئیس سازمان بسیج مستضعفین:

تعامل میان «صداء سیم» و  
«بسیج» باید عملیاتی تر شود

۷

ویژه

آثار هنری درباره سرمایه‌گذاری آمریکا  
در اغتشاشات روشنگری می‌کند

جهاد تبیین در نمایشگاه  
«به خاطر یک مشت دلار»

۱۱

نگاهی به برنامه شبکه یک که الگوها و  
تجربه‌های موفق را معرفی می‌کند

«اتم» قابی از تلاشگران  
سراسر کشور

۸

گفت‌وگوی «جام جم»  
با تهیه‌کننده سریال «جزر و مد»

چالش‌های آقا لطیف  
و خانواده



۶

# بازتاب

ویژه فرهنگ - هنر  
رسانه - جامعه

شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۵۳

ویژه

آموزش مهارت زندگی  
در «آقا معلم و بچه‌ها»

این مجموعه پویانمایی کاری از گروه  
کودک مرکز پویانمایی صباست

۷

کلان برنامه‌های فرهنگی  
چگونه عمل می‌کند

موج جدید کره‌ای، متکی  
بر پلتفرم‌های دیجیتال

۱۰

گفت‌وگوی «جام جم» با تورج نصر  
صداپیشه و بازیگر رادیو و تلویزیون

آسیب زیرزمینی‌ها  
به بدنه دوبله



۸



۱۱

واکنش حسن روح‌الامین به حمله تروریستی در شیراز

## نقش شهادت در قاتل‌بوی شاه‌چراغ

گزارش

نگاهی تاریخی به پرده جدید تقابل نافرجام غرب‌گرایان با ایرانی‌گرایان

## بلوای بدویت مدرن یا کاریکودتای تمدنی



فرق می‌کرد، آن زمان در ویذود، علائق‌شان را دنبال می‌کردند، حالا در اینترنِت... پس این طور نیست که با یک وضعیت تجربه‌نشده غیرمترقبه‌ای مواجه باشیم.

۲. **آزادی فرهنگی یا غلبه سیاسی؟** خواست اصلی را زیر عنوانی مثل زندگی و آزادی برک می‌کنند و می‌خواهند بگویند ماجرا فرهنگی واجتماعی است، در حالی که آنچه با آن روبه‌رویم کاملا سیاسی است و با یک کاریکودتای تمدنی مواجه هستیم. کاریکاتوری کودکانه از کودتایی که غرب‌گراها ۲۰ سال است نمایش را دارند و قدرت‌ش را نه. آنها قرار نمی‌دهند تاد رک پهنی از میدان پیدا کنیم؟ امروز با دو نظام تحلیلی روبه‌رویم؛ یکی که طی ۴۰ سال گذشته بارها و بارها از فروپاشی و سقوط و نابودی نظام در آینده نزدیک خبر داده و دیگری که تحت‌تاثیر جوسازی در قرار نگرفته و مسیر انقلاب را پیش برده و ضمن توجه به کاستی‌ها و خطاهای ظرفیت‌ها و چشم‌اندازهای تاریخی و جهانی را دیده است. با گذشت چهار دهه به راحتی می‌شود دید که کدام یک در توهّم بوده و کدام «واقع‌بینانه‌تر» تحلیل کرده‌اند.

۱- **ماجرا کیمنه و بزک تازه:** ماجراهای اخیر از زاویه تاریخی و معرفتی ناآگي ندارد. البته مثل دفعات قبل می‌گویند نه! این بار اتفاق متفاوتی افتاده است! بعضی از جوان‌ها را نشان می‌دهند که؛ ببینید اینها دارند قر یا فحش می‌دهند پس دیگر معلوم شد انقلاب شکست خورده است و نظام آینده‌ای ندارد. انگار ما دوره نوجوانی خودمان را در دهه ۶۰ فراموش کرده‌ایم! آن زمان «پانک»‌ها بودند، رقص «بریک» بود، «مایکل جکسون» بود،... این‌طور نبود که در مدرسه و محله؛ این جلوه‌ها را نبینیم و بخشی از جامعه دیگر اینها نباشد. ابزارهایش

۵. **پهلوی اول و تیر آخر:** شناخت پهلوی اول کمک می‌کند که هواداران امروزی‌اش را هم بهتر بشناسیم. در بین تمام نمادها و پرچم‌های غرب‌گرایی در ۲۰۰ سال گذشته از آخوندزاده و طالبوف تا ملکم‌خان و تقی‌زاده تا رزم آرا و غلم و هویدا؛ هیچ کدام به جامعیت و شفافیت رضاخان؛ آرمان و ماهیت غرب‌زده‌ها را آشکار نمی‌کند. در حقیقت؛ پهلوی اول، تیر آخر جریان غربگراد در ایران بود و این که بعد از ۸۰ سال دوباره به او و مکتبش رجوع کرده‌اند نشان می‌دهد بر خلاف جریان ایران‌گرا که روند رو به جلو و بالنده‌ای دارد و از امیرکبیر تا حاج‌قاسم هر بار که با ترور و حذف مواجه شده پرچم بلندتری پیدا کرده است؛ جریان غربگرا از ۸۰ سال پیش تا کنون درجازه و نماد تازه و مهمی پیدا نکرده است.

۶. **کودتای کاریکاتوری تجزیه‌طلبان در ایران فرهنگی و تمدنی؛** چرا امروز شیطنت‌ها و وطنه‌های دشمنان ایران برای مقابله با حجاب زن ایرانی به اوج رسیده است؟ سراسیمگی آنها برای برداشتن روسری از سر زنان ایرانی برای چیست؟ دلیلش روشن است.

تمدن غرب صدها سال تلاش کرده تا الگوی خودش را بر همه جهان تحمیل کند و بگوید بدون نگاه معنویت؛ بدون تجاوز از حدود الهی، بدون التزام به سکولاریسم ممکن نیست کشور و ملتی پیشرفت کند.

۷. **حقوق بشر یا...؟** نکته مهم در سیر تمدن غرب مدرن این است که هر چه در دانش و فناوری پیشرفت می‌کند میلش به برداشتن مرز انسان و حیوان بیشتر می‌شود. آنها بر سر تعریف «حقوق» دعوایی ندارند، دعوی اصلی بر سر تعریف «بشر» است. فرزند میمون چرا باید مثل بچه آدم رفتار کند؟ این دیکتاتوری نیست که از کسانی که خودشان را فرزند میمون می‌دانند بخواهیم رفتار انسانی داشته باشند؟ اگر کسی روی میمون‌ها فشار بیاورد که رفتار انسانی داشته باشند قطعاً دیکتاتور است.

۸. **آل احمد و خودآگاهی تاریخی؛** آل احمد درست در میانه سقوط رضاخان و ظهور انقلاب اسلامی توانست به درکی تاریخی و ممتاز از پدیده غرب‌گرایی در ایران برسد. این که هنوز هم با گذشت ۵۰ سال؛ روشنفکران اصرار دارند هرسال در سالمرگش او آماج بد و بیراهه‌های شان قرار دهند محصول همین خودآگاهی تاریخی اوست. جلال آل احمد «غرب‌زدگی» را بیش و بیش از هر چیز یک «بیماری» می‌داند. تعبیر بیماری و تشبیه به وب‌زدگی؛ یک تعبیر ژورنالیستی نیست؛ روایت واقعیت و ماهیت اینهاست.

۹. **خشونت مدرن؛ از گوهرشاد تا اکباتان؛** از اکباتان تا کرج تا دانشگاه؛ خشونتی که در شورش سیاه می‌بینیم دقیقاً از سنخ خشونت رضاخانی است با همان سفاقت و سببیت. نباید از کنار این قضیه به راحتی عبور کرد؛ ما خیلی درباره پهلوی‌ها سکوت کرده‌ایم؛ نه جنایات‌شان درست روایت شده و نه مبنا و ماهیت‌شان را خوانش تئوریک کرده‌ایم. این شورش سیاه به مثابه کاریکاتوری از رضاخان فرصت خوبی برای بازخوانی پهلوی‌هاست.

یادداشت

میراث تلویزیون را بشناسیم



جهانگیر الماسی  
بازیگر

ورای این‌که خودم در دوره‌های مختلف به عنوان بازیگر با تلویزیون همکاری داشته‌ام و حتی طرح‌هایی برای سریال‌سازی ارائه کرده‌ام اغلب مخاطب تلویزیون هم بوده‌ام ولی نقد و نظرات خود را درباره کیفیت برنامه‌ها داشته‌ام و این‌طور نبوده که یکطرفه و بدون رویکرد و نگاهی به چشم‌انداز این رسانه به تماشای بنشینم. همه چیز را باید در کلیت دید. به زعم من، تلویزیون همچنان میراث ماست و یک شبکه رسانه‌ای فراگیر است. باید سعی کرد مخاطبان را به سمت تماشای تلویزیون خودمان سوق دهیم و با برخورد مناسب با بینندگان و تولید آثار درخور توجه و فاخر از ریزش آنها جلوگیری کنیم. این شرایط با گشایش درها و به‌کارگیری متخصصان بیش از پیش فراهم خواهد شد. البته در دوره‌های مختلف بر این مهم تأکید شده و اقدامات قابل توجهی هم صورت گرفته است اما امیدوارم در این دوره بیش از گذشته شاهد جذب و به‌کارگیری نیروهای حاذق در ساخت سریال‌های نمایشی و برنامه‌سازی برای تلویزیون باشیم. همچنین آثار برخی از بزرگان تلویزیون که مدت‌هاست کاری نکرده‌اند یا جذب پلتفرم‌ها و شبکه خانگی شده‌اند را در این قاب به تماشای بنشینیم. زیرا به‌ندرت در شبکه نمایش خانگی هم شاهد اثری موفق بوده‌ایم. از طرف دیگر می‌توان گفت ساختارهای آکادمیک در این حوزه نیز از نظر کمی رشد کرده‌اند و از نظر کیفی واقعاً نیازمند بازبینی هستند. یعنی باید دید این همه دانشکده و دانشگاه و آموزشگاهی که بابت المال در حال فعالیت‌ها هستند سالانه چند تکنیسین کاربلد تحویل تلویزیون داده‌اند و اصلاً ساختار تلویزیون چقدر امکان استفاده از خروجی ساختار آکادمیک را داشته است. همان‌طور که بیان شد به‌کارگیری نیروهای جوان و تحصیل کرده در کنار افراد زبده و باتجربه ترکیب شایسته و کارآمدی را به دست می‌دهد که قطعاً نتایج درخورش را روی آنتن شاهد خواهیم بود. تحصیلات مرتبط تنها بخشی از یک کاراکتر حرفه‌ای را می‌سازد و شاید در بعضی موارد شرط لازم باشد اما قطعاً کافی نیست. در کار هنری و آن هم کار برای تلویزیون که مخاطبان فراگیر و گسترده از طیف‌های مختلف دارد بیش از هر چیز دیگری توانایی حرفه‌ای - هنری است که دارای اهمیت است. نمی‌شود فردی را بدون آن‌که تجربیات لازم داشته باشد به کار گرفت و انتظار تحول و پیشرفت داشت. مدیران و تهیه‌کنندگانی در تلویزیون می‌توانند موفق باشند که بیش از هر چیز دیگر سعی و خطاهای خود را در مدیوم‌های دیگر کرده باشند و وقتی به تلویزیون می‌آیند تازه به دنبال یادگیری و درس‌آموزی نباشند. اگر افراد دارای تجربه کافی در حیطه‌های مختلف تلویزیون به کار گرفته شوند با درصد موفقیت بالاتری کارهای بی‌گرفته خواهد شد و قطعاً در جذب مخاطبان بیشتر تأثیرگذار خواهد بود.



برای خواندن متن کامل  
گزارش کیوا آرکد را اسکن کنید